

مهم‌ترین پروژه دولت چهاردهم

[احمد میدری]

[وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی]



حداقل به سرمایه اجتماعی هم آسیب نزده است. وفاق راه‌حلی برای کاهش ناترازی هاست. زیرا مسأله ناترازی نه تنها به علت تحریم‌ها و سرمایه‌گذاری ناکافی در زیرساخت‌ها شکل گرفته است بلکه یکی از علل اصلی آن واهمه سیاستگذاران در اصلاح رفتار مصرف‌کنندگان است. اصلاح ناترازی که حیات زیست و معیشت مردم را تهدید می‌کند، باید مورد وفاق نیروهای سیاسی قرار گیرد تا اصلاح آن را مخاطره‌ای برای از دست دادن قدرت خود تصور نکنند. در فضای وفاق این اصلاح امکان‌پذیر است. وفاق هم پروژه سیاسی و هم پروژه اجتماعی است که پیامدهای عمیق اقتصادی دارد. دولت چهاردهم خواهان مشارکت مردم در هر امر عمومی است و این هدف پروژه‌ای کاملاً اجتماعی است. از مشارکت در مدرسه و محله گرفته تا مشارکت در سیاست‌های کلان کشور، پروژه دولت چهاردهم است. به کمک این مشارکت می‌توان برکنندگی نظام اداری فائق آمد و آن را کارآمد ساخت. در غیاب مشارکت سازمان یافته مردم نه تنها برکنندگی نظام اداری نمی‌توان غلبه کرد بلکه در عرصه سیاست‌های اقتصادی نیز دولتمردان بسختی می‌توانند از دست سوداگران نجات یابند. وفاق سیاسی بدون مذاکره و گفت‌وگوی اجتماعی، شکننده و به عبارت بهتر نافرجام خواهد ماند. انشقاق‌های سیاسی ریشه در تفاوت‌های فرهنگی و اجتماعی دارد. علاوه بر منافع متفاوت و متعارض که در هر جامعه مدرنی وجود دارد، تمدن بزرگی مانند ایران انباشته‌ای از عادات و خلق‌وخواهی فرهنگی است. این تکثر در عین حال که یک ثروت بزرگ است که می‌تواند به سیل ویرانگر منجر شود یا آب حیات باشد. همه انقلاب‌های بزرگ با جبهه متحد آغاز می‌شوند، برای هدفی مشترک اختلافات را کنار می‌گذارند تا به پیروزی دست یابند. پس از پیروزی جبهه متحد فرو می‌ریزد و عصر نزاع آغاز می‌شود. آنچه سرنوشت را تغییر می‌دهد مانند در این عصر یا بازگشت به جبهه متحد است. هیچ تضمینی در این دوراهی نیست می‌توان همواره در نزاع باقی ماند. همه در عبور از این دوراهی نقش دارند و دولتمردان و نیروهای سیاسی، نقشی بیش از دیگران. در پرتو این اصول نگاهی دوباره به سؤالات ابتدایی بیندازیم:

تا چه اندازه در تحقق این پروژه موفق بوده است؟ پاسخ احتمالاً تا حدودی است. این پروژه چه نسبتی با مسائل اساسی ایران دارد؟ خیلی زیاد و تا چه اندازه می‌توان به تحقق معنادار این پروژه امید داشت؟ بستگی به رفتار همه بویژه دولتمردان و نیروهای سیاسی دارد. هیچ قطعی وجود ندارد مانند هر خیر جمعی دیگر. وفاق همه جا و همواره امری سخت و دیرپا است. سال‌ها منازعه بر سر قدرت راه وفاق را سخت‌تر ساخته است. گذر از گذرگاه‌های سخت و حفظ آن نیازمند مشارکت همه از جمله اندیشمندان و اساتید است. وفاق آق و راه دیگری است که تنها به کمک یکدیگر می‌توان آن را ترسیم کرد.

مهم‌ترین پروژه دولت چهاردهم چیست؟ تا چه اندازه در تحقق این پروژه موفق بوده است؟ این پروژه چه نسبتی با مسائل اساسی ایران دارد و تا چه اندازه می‌توان به تحقق معنادار این پروژه امید داشت؟ از میان این سؤالات بزرگ تنها پاسخ سؤال اول مشخص است: وفاق. همان‌طور که رئیس‌جمهوری به زبان‌ها و اشکال مختلف بیان کرده است وفاق و پایان بخشیدن به دعوای از اهداف اصلی اوست. برای پاسخ به این سؤالات باید ابتدا درکی مشترک از وفاق داشت. وفاق تشکیل جبهه متحد برای حل دردها و تأمین منافع مشترک است، نه تنها جبهه متحد علیه دشمن خونخوار، بلکه جبهه متحد علیه فقر، جبهه متحد برای حل ناترازی‌ها، جبهه متحد برای عدالت آموزشی، جبهه متحد برای عدالت در سلامت و جبهه متحد برای احیای یک تمدن بزرگ بشری. گروه‌های سیاسی، اجتماعی و اقتصادی اختلافات خود را پشت این جبهه متحد خواهند داشت. دردها و منافع مشترک به معنای یکی شدن نیست بلکه وحدتی است در عین کثرت. آنچه باید پایان یابد کثرت‌ها و اختلاف‌ها نیست بلکه شیوه تعامل تغییر یابد؛ منازعه و حذف رقیب با توسل به ابزارهای نادرست باید جای خود را به پذیرش قواعدی دهد که به تولید قدرت عمومی و توزیع عادلانه آن بینجامد.

وفاق برای حل منازعه فصل الخطاب دارد و همان‌گونه که دکتر پزشکیان تأکید کرده‌اند «در رأس نظام سیاسی ما رهبری قرار گرفته است که سرمایه‌ای برای حل اختلافات است.» وفاق همان‌طور که در ادبیات جهانی آن شناخته شده همزاد فروتنی است. وفاق از این نقطه آغاز می‌شود که هیچ فرد و گروهی به تنهایی قادر به شناخت راه‌حل‌های مطلوب نیست و نمی‌تواند بدون همکاری دیگران مسائل اساسی را حل کند. به عبارت دیگر فروتنی نه تنها امری اخلاقی است، بلکه امری سیاسی است. امری سیاسی است بدین معنا که بهترین راه‌حل ممکن است و از هر راهبرد سیاسی دیگری، قدرت بیشتری برای حل مسائل کشور دارد. وفاق، خواهان تمرکززدایی و تفویض اختیار به سطوح مختلف و مردم است. اعتراف به محدودیت‌های شناختی و باور به ظرفیت‌های عمومی یا همان فروتنی سیاسی، محله محوری و تفویض اختیار به استانداران را به پروژه‌های اصلی دولت تبدیل کرده است. راه‌حل مطلوب متناسب با واقعیت هر منطقه توسط نیروهای بومی آن منطقه کشف خواهد شد و در آن صورت، آنها خود را مالک سیاست خواهند دانست و با نیروی خود موانع را برطرف خواهند ساخت.

وفاق راه‌حلی برای مسائل بین‌المللی ایران است. آنچه دشمن را ناامید خواهد کرد، همبستگی اجتماعی است. هر چند ملت ایران مقابله با دشمن را به هیچ شرطی واگذار نخواهد کرد، اما راهبرد وفاق در همین یک سال اول نشان داد که مقوم همبستگی اجتماعی است و اگر نگوییم سرمایه‌ساز نبوده است،

